

5214

دو

۱

۱۱۵

ک

بنا

www.ketab.ir

سرشناسه: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ . Al Ahmad, Jalal

عنوان و نام پدیدآور: سفر به ولایت عزرائیل / تالیف جلال آل احمد.

مشخصات نشر: قم: نظاره، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

شابک: 978-622-6283-29-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.

موضوع: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ — خاطرات موضوع: Al Ahmad, Jalal -- Diaries

موضوع: سفرنامه‌ها موضوع: Traveler's writings

موضوع: اسرائیل — سیر و سیاحت موضوع: Israel -- Description and travel

رده بندی دنگره: ۷/۴/۱۰۷DS س ۷/۳۹۶۷

رده بندی دیویی: ۶۹۴۰۴۵۲/۹۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۸۴۶۱۲



سفر بہ ولایت عزرائیل

اثری از:
جلال آل احمد

محمد علی آل احمد



کتابخانه ملی
ایران

سفر به ولایت عزرائیل

نویسنده: جلال آل احمد

ناشر: نظاره

تاریخ چاپ: اول ۱۳۹۸

قطع و تعداد صفحات: اروپایی ۱۱۲ صفحه

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپخانه: گلها

سحافی: ثلث

امور گرافیکی: انلیه گرافیک ثلث

مدیر هنری: صادق اخلاص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۳-۲۹-۸

تمام حقوق محفوظ است و هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، نشر الکترونیکی، فیلم، صدا و... نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

@SOLS_BOOK

@SOLS_BOOK

۰۹۳۷۲۲۲۲۵۴۵

۰۹۳۷۲۲۲۲۵۴۹



مرکز پخش و نشر کتاب ثلث:

دفتر مرکزی: قم، بلوار شهید خداکرم کوچه ۳، پلاک ۱۴

فروشگاه قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران طبقه همکف، پلاک ۲۰

۰۲۵۳۶۱۰۹



فهرست مطالب

۷	مقدمه
۷	۱- کارنامه‌ی ما
۸	۲- سدهای جلال
۱۱	۳- سفرنامه نامه‌های جلال
۱۲	۴- درباره این کتاب:
۱۷	۵- استفاده‌ی نخست:
۲۳	سخنرانی جلال در مؤسسه مطالعات:
۲۹	۶- استفاده دوم:
۲۹	طرح کار [نگارش] ولایت عزرائیل
۳۲	۷- استفاده سیم:
۳۸	۸- کتاب نگاری (بیبلیوگرافی):
۴۲	۹- آخرین سخن:
۴۴	ولایت عزرائیل
۴۴	(۱) پیش درآمد:
۵۰	(۲) آغاز یک جذبه
۵۸	۳- ولایت بی‌شرق و غرب:
۶۷	(۴) سنگ اول بنا زیر پی می‌ماند:
۷۸	(۵) آغاز یک نفرت

- ضمایم ۹۶
- ۱- تفسیری بر روابط ایران و اسرائیل ۹۶
- ۲- بین الملل سوسیالیست ها و اسرائیل: ۱۰۰
- ۳- گزارشی از اردن: ۱۰۲
- ۴- بیانیه اردن: ۱۰۲
- ۵- مدیر رادیوی اردن در چهارم ماده ژوئن گفت: ۱۰۴
- ۶- بیانیه پنجم و ششم ژوئن اردن: ۱۰۴
- ۷- قطع روابط با اسرائیل: ۱۰۶
- ۸- بیانیه کمیته بین المللی صلیب سرخ ژنو (۱۹ ژوئن ۱۹۶۷): ۱۰۸
- ۹- جناس شبستگي ۱۱۰

مقدمه

۱- کارنامه‌ی ما

- جلال در کمتر از چهل و شش سال زندگی و ربع قرن نویسندگی، نوبت یافت ۲۵ اثر خویش را به چاپ بسپارد. چاپ بقیه آنها ماند در عهده ما (اوصیا و وراث جلال) که تاکنون فرصت چاپ هشت کتاب زیر او، نصیب شده است:
- ۱- در سال ۱۳۵۰ مجموعه قصه‌ی پنج داستان. در ۸۸ صفحه
 - ۲- در سال ۱۳۵۱ مجموعه قصه‌ی چهل طوطی. در ۴۸ صفحه
 - ۳- در سال ۱۳۵۱ ترجمه‌ی نمایشنامه تشنگی و گشنگی. در ۱۵۷ صفحه
 - ۴- در سال ۱۳۵۶ متن کامل غرب‌زدگی منقح. در ۲۲۷ صفحه
 - ۵- در سال ۱۳۵۶ متن کامل در خفاست و خیانت روشنفکران چاپ کامل و بی‌سانسور. در ۵۱۰ صفحه
 - ۶- در سال ۱۳۵۶ رساله یک چاه و دو چاله. در ۵۶ صفحه
 - ۷- در سال ۱۳۶۰ قصه سنگی بر گوری. در ۹۳ صفحه
 - ۸- در سال ۱۳۶۳ ترجمه تجدیدنظر شده قصه‌ی قمارباز در ۲۴۲ صفحه
- و اینک نهمین کتاب او، که برای اول بار و به طور کامل تقدیم می‌شود. یعنی:
- ۹- سفر به ولایت عزرائیل.

۲- سفرهای جلال

از سیاحت‌های جلال در شهرها و روستاهای کشور که در بخشی از آنها که در فاصله‌ی سال‌های ۲۷ تا ۳۷ و بیشتر پیاده انجام گرفت من در معیتش بودم - که بگذریم، وی سیاحت‌هایی نیز در خارج از کشور داشته است. که به ترتیب تاریخ وقوع‌شان عبارتند از:

۱/ سفر به عراق در سال ۱۳۲۱: و سیاحت و زیارت شهرهای بصره، خائقین، سامرا، کربلا، نجف و کاظمین. سفری که پس از ختم دوره دارالفنون تهران، به تشویق مرحوم پدرمان و به نیت اتمام تحصیلات طلبگی‌اش (که همزمان با دوران دبیرستان، در حوزه مروی تهران مقدمات و سطح را نیز به اتمام رسانده بود) انجام داد. تا زیر سرپرستی مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه (دایی مادرمان) و نیز در معیت برادر بزرگ‌مان مرحوم سید محمد تقی طالقانی که از نخبه شاگردان حوزه‌ی مرجع زمان، آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی بود، ادامه‌ی تحصیل دهد. نیتی که ناتمام ماند و با اشغال کشور از طرف متفقین در جنگ جهانی دوم، جلال به وطن بازگشت. از آن سفر، سایه‌ها و مایه‌هایی در قصه‌های کوتاه اولیه جلال، چون زیارت، وداع و الگمارک و المکوس نقش بسته است.

۲/ سفر به فرنگ در سال ۱۳۳۶: سفری دو ماهه و تابستانه. و در معیت همسرش. و بیشتر به سیاحت در شهرهای فرانسه و انگلیس. و به تعبیر من نوعی ماه غسل

سرشار از شکیب از این سفر نیز سفر نامه‌ای تدارک ندید.
اما یادداشت‌های روزانه سفر چرا.

۲/۳ - سفر به فرهنگ در سال ۱۳۴۱: این بار تنها و چهار ماهه، با سیاحتی در پاریس، ژنو، آلمان، هلند و انگلریز. خودش از آن سفر، به شتل تعبیر می‌کند. از این سفر افزون بر ۱۵۵ صفحه یادداشت‌های روزانه، سفرنامه‌ای نیز تدارک دیده که ناتمام مانده است. تحریر تازه و بازنویس یادداشت‌های روزانه سفر فرنگ که دقیقاً ۱۲۹ روز به درازا کشیده است، در تابستان سال ۱۳۴۸ و در اسالم گیلان شروع شده بود که مرگ طراحی شده جلال توسط ساواک، آن بازنویس را ناتمام گذاشته است. بیشتر از یک سوم سفرنامه آماده‌ی چاپ است.

۲/۴ - سفر به اسرائیل در سال ۱۳۴۱: که سفری بوده چهارده روزه. از پانزدهم بهمن تا بیست و هشتم همان ماه و سال. و در واقع در بازگشت از سفر سه‌سوه خارج (یا سفر دوم فرنگ). و در آنجا به همسرش، دکتر سمین دانشور که از تهران پیشواز رفته، پیوسته. و هر دو مهمان حضرات. افزون بر بیست و دو صفحه یادداشت‌های روزانه سفر، در یک تحریر و بازنویس تازه، سفرنامه‌ای تدارک دیده است در پنج فصل و چند ضمیمه. که حدود نیمی از آن در زمان حیات خودش در یک ماهنامه (سال ۱۳۴۳) و یک هفته‌نامه (سال ۱۳۴۶) چاپ شده است.

این کتاب، متن بازنویس شده کامل همان سفرنامه

است. که به تفصیل‌تر، توضیح خواهم داد.

۲/۵ - سفر حج در سال ۱۳۴۳: که بیست و چهار روزه بود. از ۲۱ فروردین تا سیزدهم اردیبهشت همانسال. همراه قافله حجاج و گروهی از افراد فامیل. یادداشت‌های روزانه این سفر، سال ۴۴ تحریر تازه یافت و در سال ۱۳۴۵، در زمان حیات جلال و با همت انتشارات نیل با نام خسی در میقات نشر یافت.

۲/۶ - سفر روس در سال ۱۳۴۳: سفری سی و یک روزه. و تنها از ۲ مرداد تا ۷ شهریور همانسال. یادداشت‌های روزانه آن سفر را جلال در سال ۱۳۴۵ بازنوشت و دو قسمت آن را در هفته‌نامه بارو به چاپ سپرد که همان سبب شد بارو برای همیشه به محاق توفیق افتاد. این سفرنامه کامل است و ما مترصد فراهم شدن امکانات چاپ آن.

۲/۷ - سفر آمریکا در سال ۱۳۴۴: که هشتاد روز به درازا کشید. بیشتری در آمریکا و تنها و چند روزیش تا کانادا و در معیت دکتر علی‌اصغر خبره‌زاده. این سفر از پنجم تیرماه تا بیست و سوم شهریور همانسال اتفاق افتاد. و یکصد و هشتاد و یک صفحه یادداشت‌های روزانه سفر را سوغات داشت. هرچند فصلی از این سفر بازنویش گشت و در زمان حیات جلال، یک بار در جهان نو رضا براهنی و سپس در مجموعه مقالات کارنامه سه ساله با نام کارنامه دوماهه هاروارد چاپ گشت. اما جلال فرصت بازنویس تمام آن یادداشت‌های روزانه سفر را نیز به دست نیاورد.

۳- سفرنامه نامه‌های جلال.

از زمره نوشته‌های هنوز چاپ نشده جلال، یادداشت‌های روزانه اوست که با لطف و تدبیر سرکار خانم دانشور، در همان زمستان تلخ و سیاه سال ۱۳۴۸، آن یادداشت‌ها پس از کپی‌برداری و احصاء، بیرون از دسترس صحنه‌سازی دزد زدگی ساواک (که حوالی سال چهل شبانه به خانه‌اش ریختند و چند دفتر از یادداشت‌های روزانه او به اضافه مقادیری از دستنوشته‌هایش را به یغما بردند) حفظ و نگهداری می‌شود تا ان شاءالله روزی توفیق چاپ آنها، رفیق گردد.

متجاوز از نیمی از آن یادداشت‌های روزانه، یادداشت‌های روزانه سفرهای فوق است. که جلال به عادت، تا آنها را بازنویس نمی‌کرد به چاپ نمی‌رساند. از مجموع آنها، سه سفر اسرائیل، حج و روس توسط خود جلال و به تمامی بازنویس شده است. و دو سفر آمریکا و خرنک به طور ناتمام تحریر تازه یافته است. خود وی نیت و طرحی داشت که سفرنامه‌های خارجی‌اش را، پس از اتمام بازنویس آنها، با نام چهار کعبه به چاپ بسپارد. خفقان زمان و نهال قطع شده عمر او، این نیت و قصد را نیمه‌کاره گذاشت.

احتمال می‌دهم که منظور و قصد او از نام چهار کعبه

عبارت بوده باشد از:

۳/۱- کعبه نخست، مکه. زیارتگاه مسلمین جهان.

۳/۲- کعبه دوم، بیت‌المقدس. زیارتگاه مشترک مسلمین و

۱۲ | سفر به ولایت عزرائیل

مسیحیان و یهود.

۳/۳ - کعبه سوم، فرنگ و ینگه دنیا. زیاتگاه هرهری
مذهبههای غریزده.

۳/۴ - کعبه چهارم، روسیه شوروی. زیارتگاه چپهای استالینی.
کعبه اول را خود وی، با نام خسی در مقیات به چاپ سپرد.
اینگ کعبه دوم که قرعه چاپ کامل آن به نام ما خورده است. تا
ان شاءالله فرجی حاصل گردد و ادای دین را مغتنم شماریم. در حال
حاضر، با وجود همه تشویق‌های زبانی و معنوی دوستان و
دوستانداران جلال، امکانات مادی چاپ همه آنها و در یک مجلد
فراهم نیست. به ویژه که اوصیا و وراث جلال، در این نظام نیز
نتوانسته‌اند حقوق غارت شده تألیف جلال را از دو تن ناشران
بی‌اخلاق هنوز قدرت مبار باز ستانند که دست کم ثلث آن مال
می‌توانست پشتوانه مالی محکمی باشد برای بنیاد فرهنگی
انتشارات رواق که خود جلال پایدارش بود و ما احیایش کردیم.

۴- درباره این کتاب:

جلال در بازگشت از یک سفر چهارماهه فرنگ، دو
هفته‌ای مهمان دولت اسرائیل بود. سفر چهار ماهه فرنگش
از جمعه ۶ مهر ۱۳۴۱ تا شنبه ۱۳ بهمن همانسال طول
کشید. خودش می‌گوید:

در سفر این بار برای من هیچ نوع مفری نیست. یعنی
این بار به فرار از هیچ چیز و هیچ کس - حتی از خودم - به
این سفر آمده‌ام. این سفر را، یک نوع شتل تلقی می‌کنم.